



مدرسه مهمان‌نوازی

آشنایی با رشته هتل‌داری

آدم‌هایی هستند که شبیه ما زندگی نمی‌کنند. آنها نه پول زیادی دارند، نه خانواده‌ای متفاوت، نه امکانات بسیار؛ با این حال زندگی آنها متفاوت است. نه صبح‌ها و شب‌های آنها شبیه ماست ممکن است در اتوبوس کنار دست ما نشسته باشند؛ بی آن که ما بدانیم. آنها در عین شباهت با ما، آدم‌های متفاوتی هستند؛ خیلی متفاوت. متفاوت‌های این شماره: امیرحسین پارسا، محسن پارسا، خشایار الیاسیه، بهکام مصلحی.

هیجان‌انگیزند؟ چرا می‌درخشند؟ چرا غذاهای هوس‌انگیز دارند؟ چرا دلتان می‌خواهد یک شب در آنها اقامت کنید؟

همه اینها مدیون هتل‌داران است؛ هتل‌دارانی که در این رشته درس خوانده‌اند و حتی درس‌های عجیب و غریبی مثل آداب معاشرت، دکوراسیون، آشپزی، متصدی الیسه در هتل را پاس کرده‌اند و شما هم اصلاً خبر ندارید که این درس‌ها جایگزین فیزیک و زیست و جبر و هندسه و انتگرال و این جور چیزهاست. خبر دارید؟ ندارید دیگر... در حالی که شما دارید حد و مشتق می‌گیرید، امیرحسین، محسن، خشایار و بهکام کلی زبان تخصصی خوانده‌اند که وقتی مهمانی خارجی به هتل آمد، به خوبی بتوانند از او استقبال کنند.

می‌گویند: «با این که هتل‌داری خوانده‌ایم، گاهی دیگران فکر می‌کنند ما گارسن هستیم.»
می‌گوییم: «گارسنی که هیجان‌انگیز است، خود من دوست داشتم به جای خبرنگار شدن گارسن شوم؛ گارسن کارتون موش سر آشپز، یا مثلاً هر گارسن دیگری»

خشایار می‌گوید: «نه اصلاً بد نیست منظورم این است که رشته ما اصلاً شناخته شده نیست. ما حتماً هم قرار نیست هتل‌دار شویم و تا الان این قابلیت را داشته‌ایم که کارهای دیگری انجام بدهیم.»

می‌گوییم: «سخت‌ترین بخش یک هتل‌دار خوب بودن چیست؟»

بهکام می‌گوید: «شخصیت. شخصیت حرف اول را می‌زند. اول باید در این رشته اخلاق و رفتار درستی داشته باشی.»

باید انجام بدهید. در مهمانی شب هم حدود چهار ساعت باید صاف بایستید و به روبه‌رویتان خیره شوید... شما باید همه این کارها را انجام بدهید تا روزی رییس یکی از بهترین هتل‌ها شوید.

هتل؟ بله هتل! همان هتلی که شما آرزو دارید بروید، یا نه، رفته‌اید و پز داده‌اید، یا نه اصلاً توی اینترنت می‌گردید و هی هتل‌های با کلاس پیدا می‌کنید و حسرت می‌خورید که چرا قسمت شما نمی‌شوند. هیچ وقت با خودتان فکر کرده‌اید این هتل‌ها چرا این قدر

باور کردن این که چند تا پسر ۲۰ - ۱۹ ساله بتوانند هتل‌داری کنند سخت است... اما حقیقت دارد؛ این جوان‌ها کلی تجربه دارند؛ تجربه‌هایی که من و تو هیچ وقت آنها را به دست نخواهیم آورد.

این تجربه آن قدر خاص است که باور کردنش آسان نیست. فکر کنید نشست سه جانبه ایران - افغانستان - تاجیکستان است. شما و هم مدرسه‌های هایتان شش روز در قرظینه و در کاخ سعدآباد زندگی می‌کنید. ۳۱۷ اتاق وجود دارد که شما و دوستانتان مسئول آنها هستید. حتی باید قبل از ورود رییس جمهورها، دستشویی‌ها را هم بشویید. بعد مهمان‌ها می‌آیند و شما مسئول اتاق وزیر امور خارجه ایران و رییس جمهور تاجیکستان می‌شوید. وضعیت امنیتی اتاق‌ها قبل از تحویل باید بررسی شود. بعد مهمان هر دستوری دارد





شما چه درس‌های عجیب غریب دیگری خوانده‌اید؟

آنها: گل‌آرایی، مکاتبات اداری، تایپ فارسی و لاتین، شناخت مواد، اتاق‌داری در هتل، ایمنی و بهداشت، و پذیرایی و تشریفات.

– کدامشان سخت بود؟

آنها: پذیرایی و تشریفات.

– چرا؟

آنها: هتل‌داری در ایران رشته جدیدی است. یعنی قبلاً تجربی بود و حالا علمی شده. منابع درسی کم است.

حتی خیلی از درس‌های ما هنوز کتاب ندارند و خیلی وقت است قول داده‌اند، جزوه‌ها به صورت کتاب درسی منتشر شوند. به خاطر همین کمبود منابع ما توی این درس باید تحقیق می‌کردیم. فیلم آموزشی نداشتیم و همه اطلاعات را از

طریق اینترنت به دست می‌آوردیم.

– حالا چه کار می‌کنید؟

آنها: ما مشاور منوی چند رستوران و کافی شاپ هستیم. حالا هم می‌خواهیم شعبه دوم کافی شاپ خودمان را افتتاح کنیم. (توجه دارید که چند ساله‌اند؟!)

– دوست دارید معلم مدرسه خودتان هم بشوید؟

آنها: بله. می‌دانید، رشته هتل‌داری مثل درس ریاضی مطلق نیست که قانون‌های آن تغییر نکند. هتل‌داری هر روز تغییر می‌کند و پیشرفته‌تر می‌شود. بنابراین آدم‌ها مدام جای‌گزین هم می‌شوند. الان ما خیلی چیزها را می‌دانیم که معلمان و مربیان ۱۰ سال پیش نمی‌دانسته‌اند.

ما پنج نفر را در یک مدرسه هتل‌داری ملاقات کردیم؛ یک هنرستان که خیلی عجیب و غریب است.

یکی از کلاس‌هایش ۲۰ صندلی دارد و یک طرف آن اتاق هتل را چیده‌اند: تخت، میزتوال، تلفن، چراغ.

یکی از کلاس‌ها جایی است پر از لیوان، بشقاب، قاشق، و ظرف و ظروف دیگر و... قاشق‌هایی که هر کدام مخصوص غذایی است و ما از آنها سر در نمی‌آوریم. روی در و دیوار مدرسه هم پر از کارت شناسایی به زبان انگلیسی است، عکس‌های امیرحسین، محسن، خشایار و بهکام هم در آنها دیده می‌شود. بالای تابلوها نوشته است: اجلاس سران کشورهای اسلامی، اجلاس تأسیس بین‌المجالس کشورهای اسلامی، اجلاس رؤسای جمهور هشت کشور در حال توسعه

– شما در همه این مراسم‌ها بوده‌اید؟

آنها: بله.

– و همه رئیس کشورهای حاضر در مراسم را دیده‌اید؟

آنها: بله.

– آن وقت این کارها جزو درس و مشق مدرسه‌تان بود؟

آنها: بله.

این چهار نفر غم و غصه‌هایی هم دارند. یکی‌شان یادش می‌آید که در یکی از بهترین هتل‌های ایران کارآموز بوده (آنها بین کلاس دوم و سوم هنرستان باید کارآموزی بگذرانند). آن وقت توی آن هتل ظرفی را شکسته و اخراج شده. حتی مدتی هم تصمیم گرفته این رشته را ببوسد و بگذارد کنار.

آن یکی یادش می‌آید که توی یکی از هتل‌ها زیرآبش را زده‌اند؛ چون سنش کم بوده!

آن یکی هم می‌گوید: «وقتی این رشته را انتخاب می‌کنی باید آن قدر موفق شوی که بتوانی خودت برای خودت کار کنی.

کارمند شدن اصلاً خوب نیست.»

می‌گوییم: «باشد، باشد! حالا اخم‌هایتان را باز کنید.

هر کاری سختی خودش را دارد. به جای این کارها ما را دعوت کنید کافی شاپتان.»

می‌گویند: «چشم.»

می‌ایستند تا ما از پله‌ها پایین برویم.

در را باز می‌کنند و

برایمان آرزوی موفقیت می‌کنند.

* با تشکر از هنرستان هتل‌داری پارسیان

